شرحی از ماجرای غم‌انگیز ویرانی و اشغال ۴۱۸ روستای فلسطین – ۳۵

سرنوشت اهالی «الطنطوره» پس از اشغال روستا

ولید الخالدی
ترجمه امیرحسین بابالار

الطنطوره

موقعیت:
PGR: ۱۴۲۲۲۴
فاصله تا حیفا: ۲۴ کیلومتر
متوسط ارتفاع: کمتر از ۲۵ متر
تملک و کاربری زمین‌های روستا در سال ۱۹۴۴/۴۵ (هکتار):

مالکیت	کاربری
عرب: ۱۱۷۵/۸	زراعی: ۸۳۲/۵
یهودی: ۲۰۵/۱ درصد از کل: ۵۷ درصد	
مشاع: ۷۱/۱	عمارت ساختمانی: ۱۲/۳

مجموع: ۱۴۵۲ (۱۱/۹ عرب، ۰/۳ یهودی و ۰/۱ مشاع)
جمعیت:
سال ۱۹۳۱: ۹۵۳ نفر (۹۵۲ عرب و ۱ یهودی)
سال ۱۹۴۴/۴۵: ۱۴۹۰ نفر
تعداد خانه‌ها (سال ۱۹۳۱): ۲۰۲ باب

الطنطوره پیش از ۱۹۴۸

روستا بر روی تپهٔ کوچکی که تنها کمی مرتفع‌تر از زمین‌های(شنی) ساحلی پیرامونی‌اش بود قرار داشت. جادهٔ باریکی ارتباط بین روستا با جادهٔ ساحلی را برقرار می‌کرد و دسترسی به حیفا و سایر مراکز شهرنشین را برای آن فراهم می‌آورد. این روستا همچنین دارای یک ایستگاه قطار بود که در مسیر راه آهن ساحلی قرار داشت. روستا در نزدیکی خرابه‌های شهرک مهم کنعانی موسوم به دُر ساخته شده بود. نام این مکان برای نخستین بار در قرن سیزدهم ق.م در نسخه‌ای که در آن نام رامسس دوم، فرعون مصر ذکر شده بود آمده است؛ همچنین در متنی که بعداً توسط یکی از مقامات رسمی معابد مصر به نام وِن آمون نوشته شده و قدمت آن به حدود ۱۱۰۰ ق.م بازمی‌گردد نیز از آن یاد شده است. وِن آمون در گزارش خود می‌آورد که شهرک مزبور به تسخیر تجکر، گروه فیلیستینی‌ای که به نظر می‌رسد در خلال قرن دوازدهم ق.م به این محل مهاجرت کرده‌اند، درآمده است. این شهر احتمالاً توسط یوشع هم تصرّف شده است(یوشع ۲۳: ۱۲) مثل برج استراتو (قیساریهٔ در فرمانداری حیفا را ببینید)، دورا، از کلونی‌های صیدون(صیدا) در قرن چهارم ق.م بوده است. در سال‌های پایانی قرن دوم ق.م این محل به تصرّف یونانیان درآمد که گاهی آن را دورا می‌خواندند؛ آنها با حکمرانان حَشمونی[1] منطقه جنگیدند. ظاهراً دورا پس از قرن چهارم میلادی به حالت متروکه درآمده است. مدت‌های مدیدی پس از آن، صلیبیان در دورا/الطنطوره قلعه‌ای بنا کردند که آن را میرِل می‌نامیدند. در پایان قرن هجدهم، زمانی که ناپلئون تلاش می‌کرد کنترل بر فلسطین را تحکیم ببخشد، ارتش در حال عقب‌نشینی او در اوت ۱۷۹۹ و در حین عبور از درون روستا آن را به آتش کشید. [Harold Christopher, Napoleon in Egypt, pp. ۴۱۶-۴۸, cited in D ۷/۲۶۰۸] گردشگر بریتانیایی جِی باکینگهام در نوشته‌ای به سال ۱۸۲۱ این روستا را به عنوان روستایی کوچک با یک لنگرگاه و یک کاروانسرا (خان) توصیف کرده است. او می‌گوید که ویرانه‌های نسبتاً نامشخص الطنطوره، گرچه کاملاً خالی از سکنه نبوده‌اند، اما تداعی کنندهٔ قدرت پیشین آن نیز نبوده‌اند. [Buckingham ۱۸۲۱:۱۲۳-۲۵] مری راجرز، خواهر کنسولیار بریتانیا در حیفا، در گزارشی نوشته است که در سال ۱۸۵۵ سی تا چهل خانه در این روستا وجود داشته که از سنگ و گل و یا گل خاک رس ساخته شده بودند. گاوها و بزها اصلی‌ترین دارایی و ثروت الطنطوره محسوب می‌شدند. [Rogers ۱۹۸۹:۷۳-۷۴] گفته می‌شود الطنطوره در اواخر قرن نوزدهم، روستایی بود ساحلی که از شمال به سمت جنوب امتداد یافته بود. بندرگاه روستا در امتداد لبهٔ جزیره‌های مربعی‌شکل و بلافاصله در شمال آن واقع شده بود. روستا دارای ساختمانی سنگی و چارگوش بود که از آن به عنوان مِهمانسرایی برای پذیرایی از مسافرین استفاده می‌شد (احتمالاً همان کاروانسرایی باشد که باکینگهام به آن اشاره کرده است). تخمین زده می‌شود که این روستا ۱۲۰۰ نفر جمعیت داشته که بر روی ۲۵ فدّان از زمین‌های روستا زراعت می‌کرده‌اند. روستا ضمناً دارای تجارت محدودی با یافا بود. [SWP (۱۸۸۱) II:۳]

خانه‌های سنگی الطنطوره در ساحل شنی ساخته شده بودند. این روستا دارای یک مدرسهٔ ابتدایی پسرانه (احداث شده در سال ۱۸۸۹) و یک مدرسهٔ دخترانه (تأسیس شده در سال ۱۹۳۷/۳۸) بود. اقتصاد روستا مبتنی بر ماهیگیری و کشاورزی بود. در دورهٔ قیمومت، میزان ماهیگیری روستا دائماً افزایش می‌یافت و از ۶ تن در سال ۱۹۲۸ به ۱۶۲۲ تن در سال ۱۹۴۴ رسید. اصلی‌ترین محصولات زراعی روستا غلات، سبزیجات و انواع میوه بود. در سال ۱۹۴۴/۴۵ جمعاً ۲/۶ هکتار از زمین‌های روستا به باغات مرکبات و موز و ۶۵۹/۳ هکتار نیز به کشت غلات و حبوبات اختصاص می‌یافت؛ ۲۸/۷ هکتار نیز آبیاری شده و یا برای احداث باغاتی که ۲۷ هکتار از آنها باغ زیتون بود به‌کار گرفته می‌شد. بررسی‌های زیرآب در سواحل الطنطوره یک لنگر کشتی را به دست داده‌اند که نشانگر دوره‌های متمادی از تاریخ محوطه می‌باشد.

در سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۹ کاوش‌هایی در کلیسای جامع بیزانسی در دامنه‌های شمالی تلّ البرج (۱۴۳۲۲۴) صورت گرفت. دانشگاه هیبرو(عبری) از سال ۱۹۸۰ هرساله حفاری‌هایی را در این تپه انجام داده است. روبه جنوب بر روی ویرانهٔ خربهٔ المزرعهٔ بقایای قلعهٔ صلیبی کسال دوُ شاتیون (شامل ویرانه‌های یک برج چارگوش تاقدار) وجود دارد. همچنین وجود ویرانه‌های گسترده در خربهٔ الدریهمهٔ (۱۴۳۲۲۴) در شمال‌شرق روستا گزارش شده است.

اشغال روستا و اخراج ساکنین آن

تا آغاز ماه مه سال ۱۹۴۸، الطنطوره یکی از آخرین مناطق عرب‌نشین باقی مانده بر ناحیه‌ای از دشت ساحلی از منطقه زیخرون یعقوف (جنوب حیفا) تا تل‌آویو بود. روز ۹ مه، جلسه‌ای با حضور افسران اطلاعات‌هاگانا و متخصصین امور اعراب تشکیل شد تا در مورد سرنوشت الطنطوره و تعداد دیگری از سایر روستاها تصمیم بگیرند. بنی موریس مورخ اسرائیلی می‌نویسد که تصمیم مزبور مبتنی بر «اخراج و سرکوب» آنها بوده است. کتاب تاریخ جنگ استقلال نیز تصدیق می‌کند که این تصمیم دو هفته بعد و در شب مابین ۲۲ و ۲۳ مه در الطنطوره به مرحلهٔ اجرا گذارده شد. گردان سی و سوم هاگانا (گردان سوم تیپ الکساندرونی) به روستا حمله کرد و روستا هم پس از نبردی مختصر سقوط کرد. (براساس نظر موریس، روستا پیشتر شرایط واگذاری اعلام شده از طرف هاگانا را رد کرده و تن دادن به یک نبرد را انتخاب کرده بود) او می‌نویسد: «واضح است که فرماندهان تیپ الکساندرونی روستا را خالی از سکنه می‌خواستند و این درحالی است که تنها برخی از ساکنین روستا از آنجا بیرون رانده شدند.» در یک بیانیهٔ نظامی اسرائیل، که در روز ۲۳ مه صادر شد و نیویورک تایمز آن را منتشر کرد آمده است: «صدها نفر از اعراب به اسارت درآمدند و مقادیر زیادی غنائم نصیب ما شد.» خبرنگار نیویورک تایمز ادعای باورنکردنی هاگانا را نقل کرد که مدعی بود روستا محل انجام قاچاق توسط نیروهای مصری که از راه دریا به فلسطین می‌آمدند بوده است. [M:۱۱۹-۲۰; NYT:۴۸/۵/۲۴; T:۱۸۳]

با این وجود مشکلات روستاییان با اخراج به اتمام نمی‌رسید. برخی از آنها به طرف مثلث رفتند، درحالی که به اندازه ۱۲۰۰ نفر از آنها به طرف روستای همجوار الفریدیس که پیشتر به تسخیر درآمده بود اخراج شدند. در پایان ماه مه، وزیر کابینهٔ اسرائیل بیخور شیتریت از نخست‌وزیر دیوید بن گوریون خواست که پناهندگان اهل الطنطوره از الفریدیس هم بیرون رانده شوند. موریس می‌نویسد که تا تابستان، بیشتر آنها از قلمروهایی که در اختیار اسرائیل قرار داشت اخراج شدند. ۲۰۰ نفر در الفریدیس باقی ماندند، که اغلب زنان و کودکانی بودند که یکی از بستگان مذکرشان در حبس اسرائیلی‌ها قرار داشت. آنها با لباس‌هایی درشت بافت و کوتاه در فضاهای روباز می‌خوابیدند، موریس می‌نویسد که حتی برخی از مقامات رسمی اسرائیل نگران سرنوشتی بودند که با فرارسیدن زمستان در انتظار آنها بود. [M:۱۱۹-۲۰]

آبادی‌های اسرائیلی در زمین‌های روستا

در ژوئن سال ۱۹۴۸، مهاجرین صهیونیست از کشورهای ایالات متحده و لهستان کیبوتص نحشولیم (۱۴۲۲۲۴) را بر روی زمین‌های روستا و در شمال‌شرق محوطهٔ آن احداث کردند. آبادی دوُر (۱۴۳۲۲۳) در سال ۱۹۴۹ توسط مهاجرین صهیونیست از کشور یونان در شرق محوطه روستا بنا گردید. [Mxviii, xx, ۱۸۳; T:۱۸۳]

روستا در حال حاضر

تنها یک بقعه، یک قلعه و یک چاه باستانی و چندتایی از خانه‌های روستا برجای مانده‌اند. براساس یک نوشته، یکی از خانه‌ها (خانهٔ متعلق به فردی بنام الیحیی) در سال ۱۸۸۲ ساخته شده بود تعداد زیادی نخل‌های خرما و چند کاکتوس به صورت پراکنده در محوطه دیده می‌شوند. محوطهٔ روستا به منطقه‌ای تفریحی با امکانات آب تنی و شنا برای اسرائیلی‌ها تغییر یافته است.

پانوشت:

۱- Hasmonean در سال ۱۴۳ قبل از میلاد سمعان مکابی Simon Maccabaeus با استفاده از منازعاتی که سلوکیان Seleucid empire با پارت‌ها Parthian Empire داشتند یهودا را از کشور سلوکی جدا و مستقل ساخت. او به عنوان سردار و ربن بزرگ دومین دولت یهود را برپا کرد؛ دولتی که تا سال ۷۰ میلادی دوام داشت. این دولت (که به نام حشمونیان معروف است) تحت تاثیر روزافزون تمدن یونانی قرار داشت و گرایش حشمونیان به این فرهنگ موجب اعتراض شدید فریسیان یهودا بود. سالومه الکساندرا (۷۸-۶۹ قبل از میلاد) ملکه یهودا با فریسیان صلح کرد؛ ولی فرزندان وی که تحت تاثیر فرهنگ روم قرار داشتند در جریان یکی از جنگ‌های جانشینی، سرداری رومی به نام پومپیوس را به داوری فراخواندند که در نتیجه این داوری و جنگ‌های متعاقب آن پومپیوس اورشلیم را اشغال و هیرکانوس دوم حاکم یهودا گردید. در نتیجه این دخالت روم، سلطنت مستقل پایان یافت و یهودا جزو ایالت مفتوحه روم یعنی سوریه شد. در سال ۵۴ قبل از میلاد کراسوس که عازم ایران بود؛ معبد هیکل اورشلیم را (که سابقا پومپیوس مصون داشته بود) غارت کرد. هنگامی که خبر رسید کراسوس در جنگ مغلوب و کشته شده‌است، یهودیان فرصت را برای آزادی خود مغتنم شمردند. این شورش‌ها توسط فرماندار رومی سوریه سرکوب شد و مقدمه به تخت نشاندن هرود کبیر Herod the Great توسط رومیان فراهم شد. هرود در کنار اصلاحات بسیاری که در امور اقتصادی و سیاسی یهودا انجام داد اعلام داشت که هیکل ساخته شده در پانصدسال پیش کوچک است و پیشنهاد کرد که آن را خراب و معبد بزرگ‌تری به جای آن ساخته شود. با وجود اعتراض و نگرانی مردم طرح خود را عملی ساخت و معبد بزرگی بنا نهاد که برای ساخت آن زمینی به مساحت شصت هزار متر مربع روی کوه موریاه را تسطیح کردند. کار ساختمانی این معبد هشت سال، ولی تزیین آن هشتاد سال طول کشید. ولی یهودیان معماری یونانی معبد و نصب عقاب طلا در مدخل آن را نپسندیدند. توطئه‌هایی علیه جان هرود صورت گرفت ولی هرود توطئه کنندگان را دستگیر کرد و به قتل رسانید. در نهایت هرود در سال چهارم قبل از میلاد درگذشت در حالی که مورد تنفر تمام مردم یهودا بود. به موجب وصیت هرود یهودا بین سه فرزند او یعنی فیلیپ، فردوس آنتیپاس و آرخلائوس تقسیم شد و بدین ترتیب اورشلیم و بیت الحم به آرخلائوس رسید. تقسیم‌بندی با توجه به تشتت نژادی در قسمت‌های مختلف یهودا بین یونانیان، سوری‌ها و یهودیان بود که توسط روم تقویت می‌شد. غیر از مسایل نژادی از لحاظ عقیدتی هم بین یهودیان اختلاف وجود داشت؛ به این‌صورت که سامریون معتقد بودند که یهوه صهیون را به عنوان مقر معبد انتخاب نکرده بلکه جزریم (اورشلیم؟) را برگزیده‌است. این فرقه‌ها البته با وجود اختلاف عقیده با هم در مورد لزوم استقلال از روم هم عقیده بودند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۵۴

تربیت دولتمردان در باشگاه انحصاری کهنه‌سربازان دفتر خدمات استراتژیک

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

آرتور شلزینگر یکی دیگر از افراد ارزشمند کنگره بود. او بخشی از چیزی بود که استوارت همپشر، آیزایا برلین و استیون اسپندر به آن لقب (دستگاه [مهار]، گروه کنترل) داده بودند. شلزینگر بعد از نشست برلین نامه تبریکی به ایروینگ براون نوشت و مشتاقانه اشاره کرد: «من فکر می‌کنم احتمالاً اصلاح بر این باشد که] ما این‌جا یک ابزار بسیار قدرتمند برای جنگ سیاسی و فکری داشته باشیم». شلزینگر به خاطر کار در دفتر خدمات استراتژیک OSS و فعالیت در بخش تحقیق و تحلیل آن، درباره موضوعاتی از این دست چیزهایی می‌دانست. این بخش [یعنی بخش تحلیل و تحقیق] به خاطر لباس‌های تولیدی کارکنان [که لباس مخصوص دانشگاه‌های آیوی لیگ بود] لقب «دانشگاه[1]» را به خود گرفته بود.

شلزینگر ارتباط نزدیکی با «باشگاه» انحصاری کهنه سربازان دفتر خدمات استراتژیک OSS داشت، که بسیاری از آن‌ها، من جمله خودش، به دولتمردان برجسته و مشاوران رئیس‌جمهور تبدیل شدند. او آلن دالِس را می‌شناخت. دالس همان شخصی بود که او را در سال ۱۹۵۰ به عضویت در کمیته اجرائی رادیو اروپای آزاد[2]، که توسط سیا راه‌اندازی شده بود، دعوت کرد (تشکیلات امنیتی او، یعنی کمیته ملی برای اروپای آزاد، حضور وی را از دید عموم پنهان کرد). شلزینگر که آن زمان هم دستیار اِورِل هریمن، رئیس طرح مارشال در اروپا بود با عملیات‌های مخفی مواجه گشته بود. شلزینگر می‌گوید: «یک احساس عمومی وجود داشت که شوروی پول‌های زیادی برای سازمان‌دهی روشنفکران خود خرج می‌کند، و ما باید در پاسخ کاری می‌کردیم». تحت نظر هریمن او درگیر توزیع مخفیانه وجوه تبدیلی برای اتحادیه‌های تجاری اروپا، که معمولا مربوط به حوزه کاری ایروینگ براون می‌شد، گردید.

اکنون رابطه شلزینگر با براون به یمن داشتن راز مشترک تحکیم یافته بود. شلزینگر از معدود افراد غیرآژانسی بود که از همان ابتدا ریشه واقعی کنگره آزادی آمریکا را می‌دانست. شلزینگر بعدا اعتراف کرد: «من به دلیل ارتباطات اطلاعاتی خود، می‌دانستم که هزینه نشست اصلی کنگره در برلین توسط سیا پرداخت شده است». «به نظر می‌رسید کمک به مردمی که در طرف ما بودند، غیر منطقی نبود. از میان همه هزینه کردهای سیا، کنگره آزادی فرهنگی به نظر با ارزش‌ترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذاری سازمان بود».

یکی از اولین وظایف شلزینگر منصرف کردن بِرتراند راسل (فیلسوف و سیاسی نویس و مورخ انگلیسی که برنده نوبل ادبیات شد) از کناره‌گیری بود. راسل یکی از حامیان افتخاری کنگره بود. این فیلسوف بعد از خواندن «گزارش‌های فتنه انگیز» هیو تروِر-روپر در منچستر گاردین، که با ابراز تاسف حوادثِ اتفاق افتاده در برلین را چیزی شبیه تجمع نازی‌ها می‌دانست، تهدید به استعفا و کناره‌گیری از کنگره کرده بود». شلزینگر در ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۰ به همراه کاستلر با راسل در لندن دیدار کرد و به نگرانی راسل درباره گزارش ترور-روپر (که آلفرد جِی آیر هم از آن حمایت کرده بود) و تصمیم او برای خروج [از کنگره] گوش فرا داد. راسل در برابر کاستلر سرد ظاهر گردید اما نهایتا صحبت‌های او و شلزینگر را پذیرفت.

برتراند راسل ریاضیدان و فیلسوف مشهور جهان، در سال ۱۹۵۰ آوازه‌اش به همه دنیا رسید. او در این سال به نشان شایستگی/لیاقت بریتانیا و جایزه نوبل دست یافت. او با لنین ملاقت کرده بود و از وی نفرت داشت: «خنده‌های بلند او هنگامی سخن از کشته‌شدگان و قتل‌عام‌ها شد من را متحیر کرد.... وحشی‌گری مغول‌ها و تعصب مواردی بودند هیچ‌گاه از خاطرم نمی‌رفت. راسل در سال ۱۹۴۸، هنگام سخنرانی در سالن اصلی مدرسه وست‌مینیستر که با بمب آسیب دیده بود، با پیشنهاد تهدید استالین با بمب اتم تحسین کنندگان را مبهوت ساخت. در این زمان راسل «به شدت ضد کمونیست بود و اصرار داشت که قدرت نظامی و تسلیحاتی از سوی ما بر همه مسائل دیگر اولویت دارد». راسل همچنین توسط واحد اطلاعات و تحقیقات مورد تجلیل و قدردانی قرار گرفت. او خوشحال بود که «هر از گاهی از طرف این واحد [پول و] لقمه‌های لذیذ کوچک» دریافت می‌کند. اما اگر او آن زمان طرفدار جنگ و استفاده از نیروی سخت بود، چگونه در اواسط دهه ۱۹۵۰ خواستار خلع سلاح هسته شد (شاعری می‌نویسید: «او با ظاهر اعیانیِ خود/روی سنگفرش‌های لندن/ در کنار پادشاهان و کُمی‌های[3] دون‌پایه نشسته [و اصلا معلوم نیست طرف کیست]») به نظر می‌رسید سیاست‌های او با وزش باد تغییر می‌کرد. گویا او قرار بود در طول سال‌های حمایتش مایه درد و زنج کنگره و حامیان آمریکایی آن باشد، تا این که او نهایتا در سال ۱۹۵۶ استعفا داد[4]. اما اکنون نام او به نیکی یاد می‌شود و آن حوادث پیش آمده را به حساب ضعف جوسلسون در طلسم آنچهره مشهور می‌گذارند.

> شلزینگر ارتباط نزدیکی با «باشگاه» انحصاری کهنه سربازان دفتر خدمات استراتژیک OSS داشت، که بسیاری از آن‌ها، من جمله خودش، به دولتمردان برجسته و مشاوران رئیس‌جمهور تبدیل شدند. او آلن دالِس را می‌شناخت. دالس همان شخصی بود که او را در سال ۱۹۵۰ به عضویت در کمیته اجرائی رادیو اروپای آزاد، که توسط سیا راه‌اندازی شده بود، دعوت کرد (تشکیلات امنیتی او، یعنی کمیته ملی برای اروپای آزاد، حضور وی را از دید عموم پنهان کرد)

پانوشت‌ها:

۱- the campus
۲- Radio Free Europe
۳- کُمی لقبی ست که به منظور تحقیر کمونیست‌ها استفاده می‌شود
۴- راسل کنگره آزادی فرهنگی را سنگری لیبرال در برابر کمونیسم و نیز افراط و تفریط‌های جریان ضد کمونیستی جناح راست می‌دانست، اما هنگامی که دید تشکیلات در برابر تهدید دوم هوشیاری و حساسیت کافی را ندارد نهایتا استعفای خود را در سال ۱۹۵۷ از کنگره اعلام می‌کند

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب		شمال		شرق — غرب	
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵	شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
۳۳۱۱۸۰۵۲	۳۳۱۱۲۱۹۳	شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴	شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶		۶۵۲۲۲۹۳۳
۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱	اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳	مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲	کرج	۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۰۲۱۰						
۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵	چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸	شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱	دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵		۳۳۹۴۲۰۰۰				

استخدام

دعوت به همکاری
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
◆ واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
◆ واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
◆ امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
◆ امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور- چمستان (۴۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید. ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰
املاک افق
خرید-فروش-رهن-اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱
فروش ملک صنعتی
به متراژ ۱۳۰۰ مترمربع کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص کرج دارای ۵۵۰ مترمربع سوله و دفتر نگهبانی، دارای آب و برق و گاز، تلفن و پایان کار ۰۹۱۰۶۱۶۲۹۳۷
فروش ملک صنعتی
به متراژ ۵۰۰۰ مترمربع کیلومتر ۱۹ جاده مخصوص کرج دارای ۱۳۰۰ متر مربع سوله و دفتر نگهبانی، دارای آب و برق و گاز، تلفن و پایان کار ۰۹۱۰۶۱۶۲۹۳۷

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت-اسپیلت-هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴
ایزوگام-قیرگونی آسفالت ۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳ ۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار) ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰ - ۳۳۹۹۰۰۱۷
مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی
نوبت اول
گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره شاسی NAAC91CCX9F193701 و شماره موتور 1248802740724 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
برگ سبز وانت دوکابین مزدا مدل ۱۳۹۰ به رنگ نقره‌ای- آبی- متالیک به شماره شهربانی ۱۴۹ ج ۳۲ ایران ۲۰ و به شماره موتور FE143603 و به شماره شاسی NAGDPX2PC19E41150 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
برگ سبز خودرو سواری پژو پارس XUvP به شماره پلاک ۶۹۶ د ۳۵- ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ و شماره موتور 125K0011667 و شماره شاسی NAANA15EvNH246516 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
شناسنامه ما لکیت (برگ سبز) هاچ بک سایپا سیستم ATLAS مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید - مشکی به شماره موتور M15ا0264499 و شماره شاسی NAS871100R100362۵ و شماره انتظامی ۹۳۹ و ۸۸ ایران ۶۹ بنام صفورا آرخی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
برگ سبز و سند و کارت شناسایی موتورسیکلت سیستم احسان تیپ ۱۲۵ به رنگ قرمز مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۷۹۷۴۳ ایران ۵۸۶ به شماره موتور EH201291 به شماره شاسی NMCG125830287۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز سایپا SAINA S MT به شماره انتظامی ۳۱۱ د ۵۶ ایران ۷۳ به شماره موتور M15 / 9890607 به شماره شاسی NAS851100P580523 مدل ۱۴۰۲ بنام کاظم فرامرزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
سند کمپانی و برگ سبز و کارت سوخت وانت پیکان 1600OHV به شماره انتظامی ۳۱۹ ج ۵۹ ایران ۷۳ به شماره موتور 1148704216۲ به شماره شاسی NAAAF6AA1AG034341 مدل ۱۳۸۷ بنام محمدجواد احمدی اری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
برگ سبز خودرو سواری تیبا، رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۹۴، به شماره انتظامی ۲۴۳ م ۲۵ ایران ۵۶، شماره موتور 8222283 و شماره شاسی NAS 5854103F811100 بنام آذر روحی کاسه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
نوبت اول
بدینوسیله اعلام می‌گردد مدرک تحصیلی کارشناسی ناپیوسته شماره ۴۱۷۷۸۸۳ مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۴ متعلق به اینجانب مهدی ثنائی به ش ش ۶۶۷۹ صادره از گنبدکاووس فرزند محمد علی متولد ۱۳۶۷/۶/۳۰ از مرکز آموزش علمی کاربردی دادگستری کل استان گلستان رشته کارشناسی حرفه ای حقوق، حقوق ثبتی در تاریخ شهریور ۱۳۹۴ دریافت نموده‌ام، از درجه اعتبار ساقط است، از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه مربوطه ارسال نماید.
برگ سبز و سندکمپانی خودرو سواری هاچ بک پراید ۱۱۱، رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۸۹، به شماره انتظامی ۲۲۸ ن ۳۳ ایران ۴۶، شماره موتور ۳۸۸۳۵۵۸ و شماره شاسی S 5430089040970 بنام علیرضا رفعت دلیوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
آگهی فقدان مدرک تحصیلی
(نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب ایوب اسدی‌کیا فرزند اسکندر به شماره شناسنامه ۷۸۷ صادره از دشت آزادگان در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی سوسنگرد با شماره ۰۱۲۴۳۳۴ مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد به نشانی: استان خوزستان، شهرستان سوسنگرد، خیابان شهید غدیری اصل روبروی جهاد کشاورزی صندوق پستی ۶۴۴۱۵/۲۲۶ ارسال نماید.
برگ سبز و کارت مشخصات مینی بوس کارسان، تیپ ۹ J، رنگ سفید، مدل ۲۰۰۷، به شماره انتظامی ۹۳۳ ع ۲۲ ایران ۴۶، شماره موتور Dy74H۳۵۳۲۲ و شماره شاسی NLNOP740101740۱۳۸۰ بنام حسین سررشته‌داری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
نوبت اول
بدینوسیله اعلام می‌گردد مدرک تحصیلی کاردانی ناپیوسته شماره ۱۶۲۷۴۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ متعلق به اینجانب مهدی ثنائی به ش ش ۶۶۷۹ صادره از گنبدکاووس فرزند محمد علی متولد ۱۳۶۷/۶/۳۰ از مرکز آموزش علمی کاربردی دادگستری کل استان گلستان رشته کاردانی حقوق قضایی گرایش علوم ثبتی در تاریخ تیرماه ۱۳۹۲ دریافت نموده‌ام از درجه اعتبار ساقط است، از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه مربوطه ارسال نماید.
اطلاعیه مهم
قابل توجه خوانندگان محترم
هر روز صدها آگهی با مطالب مختلف جهت رفع نیازهای روزانه شما درنیازمندیهای صبح کیهان درج می گردد وظیفه ما آگاهی دادن جهت سهولت در کار شماست: لذا هیچگونه مسئولیتی درباره محتوای آگهی و یا پیامدهای احتمالی نداریم:لطفا قبل از قرارداد از درستی آگهی دهندگان اطمینان لازم را بدست آورید و هزینه چاپ آن تنها براساس تعرفه کیهان می باشد.
ضمناً به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم که نیازمندیهای کیهان پنج شنبه ها منتشر نمی شود.
سازمان نیازمندیهای صبح کیهان
مجوز حمل سلاح شکاری ساچمه‌زنی تم‌پر یک لول کلیبر ۱۲ مدل چخماقی ساخت آمریکا به شماره سلاح ۹۹۴۳۱ بنام ملک محمد مردانی فرزند مندنی متولد ۱۳۲۲/۱۲/۲ به شماره شناسنامه ۱ محل صدور شوشتر مفقود وازدرجه اعتبار ساقط است.
آگهی مزایده عمومی نوبت دوم
اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران در نظر دارد مزایده فروش ۱۲ دستگاه خودروهای سواری فرسوده با مشخصات و شرایط کلی ذیل از طریق مزایده عمومی یک مرحله‌ای به مراکز اسقاط واجد شرایط واگذار نماید:
الف) شرایط مختصر کار:
۱ - مزایده فروش ۱۲ دستگاه خودروهای سواری فرسوده به مراکز معتبر اسقاط
ب) مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲۹۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال از نوع ضمانت نامه بانکی با اعتبار سه ماهه یا واریز به شماره حساب ۴۰۷۴۰۳۱۲۰۷۸۶۵۵۱۸ در وجه اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران(بنام تمرکز وجوه سپرده بودجه عمومی) نزد بانک مرکزی می‌باشد.
ج) مهلت و محل دریافت اسناد مزایده:
مهلت دریافت اسناد تا تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹
محل دریافت اسناد: از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس http://setadiran.ir انجام می‌پذیرد.
د) مهلت ارسال اسناد و زمان و مکان گشایش پیشنهادها:
- مهلت ارسال اسناد: تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۱
- زمان و مکان گشایش پیشنهادها و نیز سایر شرایط و توضیحات در اسناد مزایده قید می گردد.
توجه: کلیه مراحل دریافت اسناد و ارائه پیشنهادها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس http://setadiran.ir انجام می‌شود.
- آخرین اطلاعات درخصوص مزایده در پایگاه اینترنتی ملی مزایدات به آدرس http://iets.mporg.ir موجود می باشد.
تلفن تماس ۵۵۰۴۱۱۰۹ آدرس اینترنتی www.teo.ir
اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳